

## مجمع احیاء نفوس

نام مجمعی بوده است که در ۱۳۲۹ وجود داشته و شیخ‌الملك شهابی مؤسس اصلی آن بوده است و فرصت‌الدوله شیرازی تقاضای عضویت در آن کرده بوده است. مکتوبی از فرصت‌الدوله به آن مجمع که شیخ‌الملك مذکور در ذیلش عضویت او را پذیرفته است نزد دکتر محسن صبا دیدم. ضمیمه‌اش دفترچه خطی مرامنامه آن مجمع بود که در اولش قسمنامه مجمع نوشته شده است. از ظواهر و آداب آن مجمع که جنبه رمزی داشت (به شماره ۱۰۸) برمی‌آید که از مجمعیهای سری و مخفی بوده است. اینک متن نامه فرصت‌الدوله چاپ می‌شود و مرامنامه آن برای رعایت محدودیت صفحات در شماره‌های دیگر چاپ خواهد شد. از آقای دکتر صبا برای فتوکپی سند سپاسگزاریم.

۲۷ ذی‌القعدة الحرام

حسبى الله تعالى و كفى

حضور مبارك جناب مستطاب‌مدیر مجمع هیئت احیاء نفوس شکرالله تعالى مساعیهم این بنده ذلیل فقیر محمد نصیر ملقب به فرصه‌الدوله ابن مرحوم میرزا محمد جعفر بهجت ابن میرزا کاظم شرفا ابن‌الحکیم البصیر میرزا نصیر طبیب‌الاصمیهانی که در تذکره‌ها شرح حالش را نگاشته‌اند، والده مغفوره‌ام صبیبه مرحوم رجبعلی خان مذهب تسلی تخلص که احوالاتش در مجمع‌الفصحام مرقوم است.

بنده نیززنده در سال یکم هزار و دوست و هفتاد و یک هجری در شیراز متولد شده از آغاز عهد بلوغ تا دیری عارج معارج تعلیم و تعلم بوده کتبی چند که از قلم این بنده ضعیف تصنیف و تألیف شده و پاره‌ای به طبع رسیده وصف حالات و تحصیلات بنده خواهد بود که لازم بر شرح و بیان و خودستائی نیست.

در ایام زندگانی خود به هر انجمنی پائی نهاده و در هر مسلکی سری برده‌چندان که پیشتر می‌رفتم به عقبتر می‌آمدم و هرچه بیشتر می‌خواستم کمتر می‌یافتم، اما به حکم منسوبان لایشیعان طالب دنیا و طالب علم هیچگاه دست از طلب خود برنداشته تا زمانی که به خدمت اول شخص عالم انسانیت و آخر فیلسوف حوزه آدمیت مرحوم سید جمال‌الدین همدانی (اسدآبادی) مشرف شده مدت قلیلی تلمذ نموده و چندی از انفاس قدسیه آن بزرگوار استفاضت کرده در آن اوان دریچه‌ای که از روزن آن اشعه آفتاب جهان‌تاب تمدن و مشروطیت تابان می‌بود به رویم بگشاد و ذراتی که مطلق به‌هوائی آن آفتاب بود نشانم داد. پس دریچه را بست و رخت از آن سامان بر بست.

خلاصه در این ایام که العمده‌الله تعالی شانه کشتزار ساحت ایران از رحمت سحاب مشروطیت رو به حضرت و غمری نهاده و ایادی افضال و اکرام این هیئت مقدسه چمن پیرای آن ساخت گردیده چه شود که این ناچیز را در صورتی که قابل بدانند به



شرف خدمت بدان مجمع مفتخر و سرافراز فرمایند. شاید مشام دماغ جان این افسرده  
 روان را از نسیم عنایتی معطر سازند تا به اجازتی از آن خرمن فیض عظمی خوشه‌ای  
 چیده و بدان درگاه به ارادت سرای ساید. الامر منکم مطاع. فرصت  
 جناب مستطاب آقای فرصت‌الدوله دامت افاضاته برحسب کمال لیاقت و دانش و  
 هرچه لازمه وجود يك نفر انسان است به سمت عضویت مجمع مقدس احیاء نفوس مقبول  
 و پذیرفته‌اید و با کمال مسرت و افتخار مجامع احیاء را تهنیت می‌گوییم. ۶ ذیحجه  
 ۱۳۲۹ محمد حسن شهابی شجاع‌الملک (مهر شهابی)

بر عالم و لایزال

### نظامنامه مجمع احیاء نفوس

مضار اولی در بیان مقصد مبتنی بر چهار اصل در ضمن چهار ماده

(۱) استقرار اساس شرطیت و حفظ استقلال و وطن

(۲) فراهم ساختن مویبات اتحاد و از آن آئین آزادی

در رفع هرگونه اختلاف که مضر باشد

(۳) ترویج عدالت در رفع ظلم

(۴) توسعه طرق ترغیب و تربیت و تعلیم معارف

(مضار دوم)

(ماده ۵) از آنجست که بنام مجمع احیاء نفوس سران برآمده میشوند

و از آنجست که پیشروانند

قلبه اولی از اسی صریح در علم و اطلاع چنان اختلافی در بین وطن

بین الاقوامی که زیر مستحق باشند

طبقه دوم از آنکه دارای غیرت و غیره و حمیت ذاتی و برتری

در درجه استقلال و وطنی که خود را در شرف برتری و بساطت دول

بنا کرده و در آن

طبقه سوم از آنکه غیرت مند و صاحب استعداد ساده و با

آزاد

